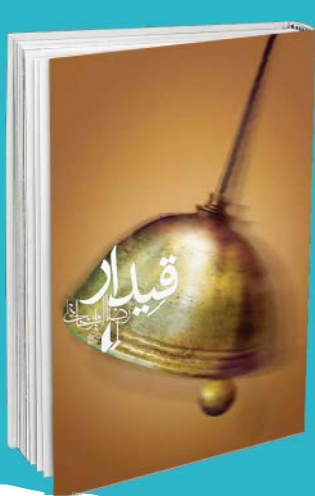


گذری به کتاب
«قیدار» نوشته رضا امیرخانی

کم نظیر در «قصه گویی»



سمیرا چوبداری

خبرنگار



«قیدار» روایت مردی با همین نام است؛ نامی که از سلسله پیامبران است و مرام و مسلک شخصیت اصلی داستان جدا از مرام پیامبران نیست. حال و هوای قصه مربوط به دهه ۵۰ است و به خوبی آن را ترسیم می‌کند. پهلوان و لوطی که از دل گذشته بیرون کشیده شده و این بار نه با فرهنگ کوچه بازاری، بلکه با اخلاقیات دینی، تلاش در تعریف دوباره انسان زمانه خود دارد. قیدار مردی ثروتمند است که با تکیه بر جوانمردی دست خیلی‌ها را گرفته. گاراژدار است و کامیون‌هایش تمام جاده‌های ایران را زیر چرخ‌های خودش گرفته است. در این قصه هیچ‌کس نیست که قیدار، کامیون‌هایش و کارهای لوطی‌گرانه و خیرخواهانه‌اش را ندیده و نشنیده باشد. او با دختری که بسیار جوان‌تر از خودش است ازدواج می‌کند. شها جان را کنار خود در مرسدس می‌نشانند تا به تخت فولاد اصفهان برسر مزار پدرش برود و آنجا اجازه ازدواج بگیرد. در طول مسیر وقایعی پیش می‌آید که در راستای معرفی موقعیت و شخصیت اصلی قصه است. در این قصه حاجی‌گلیا یکی از افراد مهم و تاثیرگذار روی قیدار است، به طوری که او را متحول می‌کند و از انزوا بیرون می‌کشد و تک‌تک افراد و نیز اتفاقات مهم داستان را به خوبی روایت می‌کند. قلم سحرانگیز رضا امیرخانی، خواننده را به دنبال خود می‌کشاند و تا دانستن پایان قصه، او را پای سطرها میخکوب می‌کند. تعلیق و کشش قصه به قدری است که جدا شدن از روایت را سخت می‌کند.

جملاتی از کتاب قیدار

در قرآن، اسم بعضی پیامبران آمده است؛ اسم بعضی غیرپیامبران هم، چه صالح و چه طالح، آمده است... این صلحا عاشق حضرت باری هستند... اما حضرت حق، بعضی را خودش هم عاشق است... عاشقی خدا توفیر دارد با عاشقی ما... خدا عاشقی است که حتی دوست ندارد، اسم معشوقش را کسی بداند... به اومی گوید، رجل! همین... مرد!... همین... می‌فرماید و جاء من اقصی المدينه رجل یسعی... جای دیگر می‌فرماید و جاء رجل من اقصی المدينه یسعی، یعنی این دو تا رجل با هم فرق می‌کنند... یکی میاد موسای نبی را نجات می‌دهد... قوم بنی اسرائیل را در اصل نشان می‌دهد... دیگری هم قومی را از عذاب نجات می‌دهد... اسمش چیست؟ اسم‌شان چیست؟ نمی‌دانیم... رجل است... «حکم دسته، مال کسی است که به پخی نرسد و به چشمم ببیند صحرای عاشورا را و پاکار تیغ باشد... حمن هیأت تو سیاهی و خاموشی است؛ که اگر کسی خواست شبانه بزند به صحرا و گم و گور شود... من هنوز تو تهران به این بزرگی مردی را ندیده‌ام که بشود حکم دسته تو گوشش خواند! حق؟! آدمی که یک‌بار خطا کرده باشد و پاش لغزیده باشد و بعد هم پشیمان شده باشد، مطمئن‌تر است از آدمی که تا به حال

چرا باید کتاب قیدار را بخوانیم؟

کتاب‌های امیرخانی فارغ از موضوعات و دغدغه‌هایش که سرانجامی چون توسل به دین ندارد، در قصه‌گویی فوق‌العاده قوی عمل می‌کند. خواننده به طور یقین با داستان‌های او همراه می‌شود، زیرا نویسنده قلمی قوی دارد و در کشاکش اتفاقات کتاب، روایت داستانی را بسیار روان تعریف می‌کند. در این میان، کتاب امیرخانی با تمسک به آیین پهلوانی و جوانمردی، سعی در ایده‌آل‌سازی اخلاقیاتی دارد که آن را لازمه زمانه خود می‌داند. هر چه قهرمان اصلی شمالی پیامبرگونه به خود می‌گیرد، همان‌طور هم شخصیت از قبل تکامل یافته او برای خواننده واقعیت نمی‌یابد. او که در ورای انسانیت گم شده این روزگار است و پیغام جوانمردی سر می‌دهد، خود بیش از هر فرد دیگری تنها در ظواهر غرق می‌شود. لوطی که از دل گذشته بیرون کشیده شده و این بار نه با فرهنگ کوچه بازاری، بلکه با اخلاقیات دینی، تلاش در تعریف دوباره انسان زمانه خود دارد. قیدار یک اثر نوستالژیک است. نویسنده اگر کلمه جدیدی در نوشتن پیدا کند، بسیار خوشحال می‌شود. در آثار امیرخانی کلماتی وجود دارد که از اعتقادات نویسنده سرچشمه می‌گیرد.



قیدار یک اثر

نوستالژیک است.

نویسنده اگر

کلمه جدیدی در

نوشتن پیدا کند،

بسیار خوشحال

می‌شود. در آثار

امیرخانی کلماتی

وجود دارد که

از اعتقادات

نویسنده

سرچشمه

می‌گیرد

پایش نلغزیده... این حرف سنگین است... خودم هم می‌دانم. خطا نکرده، تازه وقتی خطا کرد و از کارتن آکبند درآمد، فلزش معلوم می‌شود اما فلز خطا کرده رواست، روشن است... مثل کف دست، کج و معوج خطش پیداست. از آدم بی خطا می‌ترسم، از آدم دو خطا دوری می‌کنم اما پای آدم تک خطا می‌ایستم....

درباره رضا امیرخانی

رضا امیرخانی، رمان‌نویس معاصر ایرانی متولد سال ۱۳۵۳ در تهران است. او با فعالیت‌هایی در زمینه نویسندگی و نقد ادبی، یکی از چهره‌های شناخته شده در فضای ادبیات معاصر ایران است. او مدتی رئیس هیأت مدیره انجمن قلم ایران بود. سفرنامه «داستان سیستم: ده روز با رهبر»، داستان‌های «ارمیا»، «من او»، «نفحات نفت» و «آزبه» تعدادی از آثار او هستند. همچنین بسیاری از کتاب‌های او برنده جوایز متعددی شدند، از جمله: کتاب من او که در دومین جشنواره مهر مورد تقدیر قرار گرفت، کتاب نفحات نفت که اثر شایسته تقدیر دهمین دوره جایزه جلال آل احمد شد و کتاب ره‌ش که جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را برای او به ارمغان آورد. او نوشتن رمان ارمیا را در زمان تحصیل مهندسی مکانیک در دانشگاه صنعتی شریف شروع کرد. او همچنین فارغ‌التحصیل سازمان ملی توسعه استعدادها استثنایی است. کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات او در مورد مشکلات علمی و اجتماعی امروز ایران است، برای مثال: داستان سیستم و نشت نشا به برخی از مشکلات اجتماعی و راه‌حل‌های آن می‌پردازد.

نقد اجمالی قیدار

کتاب قیدار از سوی انتشارات افق در سال ۹۱ به چاپ رسید. این اثر اما بی‌شبهت به آثار قبلی او نیست. شاید مخاطبان انتظار داشتند بعد از ارمیا و من او، اثر متفاوت و امروزی‌تری از امیرخانی ببینند. اما در این اثر سیدگلیا مانند افراد تاثیرگذار دیگر در آثار اوست. شخصی محوری که قهرمان داستان از او خط مشی می‌گیرد و تحت تاثیرش متحول می‌شود. با وجود این قیدار هم توانست جای خود را بین مخاطبان پیدا و حفظ کند. رضا امیرخانی قلم گیرا و سحرانگیزی دارد. شیوه قوی که او در بیان داستان دارد یکی از دلایلی است که اکیدا توصیه به خواندن این قصه دارم.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۴ رنگ سفید شیرازی روغنی شماره موتور 01259256 شماره شاسی S1412284624683 به شماره پلاک ۵۲۳ م ۴۱- ایران ۴۶ به نام تمیمه صالحی کوزانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی 8/1 مدل ۱۳۸۳ به رنگ بژ- متالیک شماره انتظامی ایران ۱۴- ۵۷۶ ب ۱۱ شماره موتور 12483154778 شماره شاسی 83067019 به مالکیت علیرضا مهتدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند خودرو سواری پژو 405GLX به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۴۳۵م ۱۵- ایران ۴۵ به شماره موتور 124k1221950 و شماره شاسی NAAM01CE0JK377103 به نام مهدی وفادار با کد ملی ۰۷۵۱۹۱۴۹۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتور و کارت سوخت نیرو موتور آسیا 180cc رنگ مشکی مدل ۱۳۹۲ شماره موتور 0e6bd2196844 شماره تنه n2g180p9212037 به نام مهرداد نصرالهی ایران ۱۳۶ - ۴۴۶۹۳ به نام مهرداد نصرالهی فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودرو پراید تیپ 131TL مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۵۳- ۴۱۱ ص ۳۲ شماره موتور 4969089 شماره شاسی NAS411100D1296546 به مالکیت سارا حیدری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

زودتر با خبر شوید ...
www.mozayedemonaghese.com
واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۰۵۱۰۵۴۲۵

خبرنامه
موبایل